

از کتاب پوپ (فصل ۴۶)
ترجمه و نگارش: محمد علی صبوری

خوش نویسی و کتیمبه نویسی

خوش نویسی

تاریخچه مختصر

در عین حال که رفعت مقام و اعتلای هنر کتاب سازی در ایران ، هیچگاه و از جانب هیچکس بصورتی جدی مورد انکار نبوده است خوش نویسی در خط عربی ، مخصوصاً بان صورت که در ایران پیشرفت حاصل کرده ، در غرب بندرت مورد مطالعه و مذاقه واقع شده و این امر با توجه به اعتبار و اهمیتی که این هنر در عالم اسلام دارد اندکی تعجب آوراست در هر حال در مدتی بیش از بیست قرن خط یکی از عمده ترین وسایل برای بیان نبوغ ایرانی بوده است ، و از جمله هنرها این یکی بیشتر با ذوق زیبا شناس او موافق آمده و از آن حکایت دارد . و نیز این هنر پنحوی مستقیم و فوری تر بیان کننده نظریه او درباره زیبایی معنوی از طریق شکل خالص میباشد . ایرانی در طول تاریخ خود همیشه برای تجسم کمال مطلوبهای مذهبی و هنری خویش به خط خوش توسل جسته و این موضوع نه تنها در جنبشهای عظیم تری از قبیل مانویت بلکه در فرق کم اهمیت تری از قبیل بابی نیز مصادق دارد ، بطوریکه این تمایل از حیث تاریخ به غلبه اعراب پیشی دارد و در تمام دوره اسلامی حتی تا امروز شایع و سازی بوده و هیچ عاملی بطور جدی مانع از ادامه آن نگردیده است .

[مطالعه سبکهای خوش نویسی با توجه به اعتبار و مقام ارجمندی که این هنر در فرهنگ ایران دارد ، بمنزله کمکی مؤثر در تحقیقات تاریخی بشمار می آید ، ولی برای اینکه این قبیل مطالعات حداکثر استفاده را بدست دهد باید از دو نقطه نظر مختلف عملی شود . از یک طرف الفباء و خط نوشتههای متشکل از آنها میتواند فهمیده شود و بعنوان يك عامل تزئینی مورد تحسین قرار گیرد . از این نقطه نظر خوش نویسی شامل جنبه خاصی از زینت است ، و با توجه تاریخ قطعی و انعکاس دقیق و حساسی که با تغییر سلیقه و سبک در آن پیش می آید ممکنست

از آن بعنوان راهنمای مفیدی در تعیین تاریخ و حتی اسناد استفاده کرد. از طرف دیگر کتیبه‌ها و نوشته‌ها می‌توانند بعنوان نمونه‌هایی از نوع خود مورد مطالعه قرار گیرند مثلاً از نظر اشکال و انواع مختلف هر یک از حروف و نیز قواعدی که ناظر است بر روابط بین آنها و چنین تجزیه و تحلیل‌های باستان‌نویسی بنوبه خود کمک مؤثرتری است در اسناد و تعیین تاریخ.

علاوه بر این خوش‌نویسی در ایران از اوایل قرون وسطی اثری عمیق، نه‌بمناهی کنترل‌کننده بر روی هنرهای دیگر داشته بطوریکه نظامات لازم‌الاجرائی و کمال‌مطلوبه‌های واقعی در پیش روی نقاشان، تذهیب‌کاران و طراحان قرار داده و نیز مایه اصلی تزئینات در فن معماری بحساب بمنزله برادر توأم و بلکه غالباً بمنزله ارباب نقاشی بوده، بطوریکه بعضی نقاشان بزرگ با تشخیص و اهمیت مساوی در این دو هنر تمرین میکرده‌اند و نیز عده نقاشان برجسته‌ای که اولین تعلیمات خود را در نوشتن خط دیدند کم‌نیستند. معمولاً از نظر یک ایرانی تعلیم یافته این‌طور بنظر میرسد که از این دو هنر خط‌نویسی دارای عمق زیادتری است و در گذشته به‌خوش‌نویس‌های بزرگ و کارآنها نسبت به مینیاتور نیست‌ها ارجح‌بیشتری گذاشته شده و از تشویق و حمایت‌های سخاوتمندانانه‌تری برخوردار بوده‌اند. خط وسیله بیان مستقیم روح انسان بنظر میرسد و از نظر اهل تصوف بمنزله ترجمه بلافصل رویت است از غایت مقصود بدون مداخله از اصول مادی که طراح ناگزیر از استعمال آنهاست.

قائل بودن مقامی عالی برای خط، تمجید از آن بعنوان نسخه‌ای فوری و سوادى بلافصل از نفوذ به حقیقت و وابستگی و تبعیت نقاشی نسبت به خط، همه این خصوصیات عیناً در يك تمدن آسیائی دیگر وجود دارد، و آن تمدن چین است، و شباهت بین ایران و چین از این نظر بقدری زیاد است که گاهی نظرات و پندهای حکمای چین جزء به‌جزء و کلمه به‌کلمه در نوشته‌های زیبای اسلامی به‌چشم می‌خورد. باین ترتیب يك تعریف و طبقه‌بندی چینی در خصوص مقام خط و شایستگی خطاط از نظر يك ایرانی باسانی قابل فهم و کاملاً در مورد قبول است. خوش‌نویسی ممکن است قادر یا ماهر باشد اما این تعریف ضعیفی است، در درجه بالا ترا از آن ممکنست عالی باشد، ولی ضربات و حرکات قلم خوش‌نویسان عالی‌قدر و طراز اول هدیه‌ای است بهشتی و خدائی یعنی از منشاء ذاتی است که برای آنان بالاترین موجودات می‌باشد.

به‌همین گونه نیز، لین چوئن کائوچه، در رساله مشهور سونگ که يك قسمت آن بر پایه گفته‌های کیوهسی (۹۰-۱۰۲۰م) تدوین گردیده، درباره رابطه بین نقاشی و خط مطالبی اظهار میدارد که نه تنها برای یک نفر ایرانی طبیعی بنظر میرسد بلکه در نوشته‌های

فارسی مربوط به نقاشی عیناً معادلی دارد. «چنین گویند که وانك یوچون (وانك هسی چه) از غاز خوشش می‌آمد، بنظر او اینطور میرسید که حرکات گردن چرخان این حیوان شباهت دارد به حرکت مچ دست انسان در هنگامیکه قلم در دست گرفته باشد و این موضوع شامل استفاده از قلم هم در نوشتن وهم در نقاشی میباشد.» بهمین نحو در داستان چنین آمده است که در آن هنگام که میرعلی از اهالی تبریز خط نستعلیق را در سال ۱۴۲۰-۴۰ (۸۲۳ هـ) اختراع کرد، در رؤیایی از جانب حضرت علی (ع) داماد پیغمبر راهنمایی شد، باین ترتیب که آن حضرت بر او ظاهر شدند و او را ارشاد نمودند که باید بتوان نمونه از غاز تبعیت کند.

شرح سونك همچنین اشعار میدارد که « اشكال بدست گرفتن قلم و مرکب [در نقاشی] مشابه همان بشکل موجود در خوش‌نویسی است که بهمان ترتیب نقاشی است.... عموماً چنین گفته میشود که هر کس در یکی از این دو هنر خوب باشد در دیگری نیز مهارت دارد زیرا در هر دو باید حرکات مچ در بکار بردن قلم آسان و روان و بلا مانع باشد.» کلمه قلم که در دنیای اسلامی اصولاً به نوع از نی ساخته آن اطلاق میشود و خوش‌نویسان هنرمند ایرانی نیز از آن استفاده میکنند این موضوع را کاملاً تأیید میکند.»

خط فارسی در طول تاریخ طولانی خود با اصلاحات زیادی مواجه شده، باین ترتیب که اشکال جدیدی اختراع شده و هر سبک آن گونه‌های فراوانی بخود گرفته و در عین حال بجز معدودی موارد استثنائی اصول اولیه آن تقریباً بدون تغییر باقی مانده است.

قدیمترین نشانه‌ای که از امکان زیبایی در نوشته در ایران مییابم مربوط به دوره هخامنشیان است که برای بالا بردن ارزش نوشته‌های یادبودی از رنگ استفاده میشد. حروف نوشته‌های مفصل مقبره داریوش در نقش رستم در روی زمینة طبیعی خاکستری سنگها برنك آبی جلوه گر بود و گفته شده است که تعالیم زرتشت با خطوطی زیبا بادست‌های هنرمند منی باطلا بر روی چرم نوشته شده بود. ساسانیها نیز از نوع بخصوصی از پوست استفاده میکردند باین ترتیب بلا ذری از قول ابن مقفع نقل میکند که میزان مالیاتهای پرداختی به شاه ساسانی روی اوراق جدا گانه‌ای از پوست سفید (صحف) نوشته و بهم بسته میشد ولی در زمان خسرو دوم (۶۲۸-۵۹۰) شاه به بوی آن پوستها خرده گرفت و به مشاور مالیاتی خویش فرمان داد که گزارشهای خویش را فقط روی پوست‌های زردی تقدیم کند که به مخلوط گلاب و زعفران آغشته شده باشد و باین ترتیب در عین حال هم رنگ و هم بوی آنها خوش باشد.

مانوی‌ها از نوشته‌هایی استفاده میکردند که صرفاً از طرف اعضای این فرقه و برای استفاده آنان اختراع شده بود و بعنوان وسیله اصلی برای اشاعه افکار مانوی بر بنای تکامل

مورد استفاده قرار میگیرد و رساله‌های مانوی بامر کب الوان بر روی مرغوب‌ترین کاغذ نوشته و بطرزی بسیار عالی تذهیب میشد.

در عین حال تنها پس از غلبه اسلام بود که خوش‌نویس ایرانی بادت یافتن به الفبای عربی امکان اعتلاء و بهبود زیادی در هنر خویش یافت. پیدایش این خط از حیث تاریخ متجاوز از يك قرن بر سنه هجرت پیشی دارد. الندیم که کتاب بزرگ الفهرست را تألیف کرد (۳۷۷ هـ - ۹۸۷/۸ م) اظهار میدارد که يك نسخه از کتاب مکه را خوانده که به خط خود مؤلف عمر این شبه (متوفی ۲۶۲ هـ - ۸۷۶ م) بوده است که در آن کتاب عمر از نامه‌ای صحبت میکند که در آن زمان در خزانه مأمون بود، بخط پدر بزرگ پیغمبر و آن نوشته به سیاق نوشته يك زن بود و از منبعی دیگر نیز از وجود زنان کاتب باخبر میشویم که یکی از آنها را بنام شفا پیغمبر میشناخت و آن زن قبل از بعثت پیغمبر در این هنر تمرین کرده بود و به یکی از زوجات آن حضرت بنام حفصه شیوه نوشتن را آموخت.

بعلاوه خود قرآن حاوی شواهدی است که اگر از نظر زیبایی خط مسکوت است از جنبه معرفتی و معنوی آنرا ستوده است. باین ترتیب در جائی از قرآن آمده است: «بخوان و پروردگار تو نیکوکارترین همه نیکوکاران است که به تو تعلیم داده است تا قلم را بکاربری، پروردگاری که به آدمی آموخت آنچه را که او نمیدانست» و سوره‌ای بنام سوره قلم نیز آغازش باین آیه است: «سوگند به قلم و آنچه می نویسد».

کاتب و الامام در میان نزدیکان و اطرافیان بلا فصل پیغمبر، علی بن ابی طالب پسر عم و داماد او و بزرگمرد تشیع است. احادیث شیعه جمع آوری تمام قرآن را پس از پیغمبر بآن حضرت نسبت میدهد. قرآنی که او نوشت نزد خانواده برادر علی بنام جعفر باقی مانده و الندیم مدعی است که نسخه‌ای بخط او نزد فرزندان امام حسن ع دیده که بعضی بر گهای آن مفقود شده بوده است.

همچنین علی بن ابی طالب اولین شخصی فرض میشود که درباره نحوه و طریقه کتابت توصیه‌هایی کرده است. این‌طور نقل شده است که کاتبی که در حضور علی کار میکرد از جانب او راهنمایی میشد: «دوات را بهم بزن و قلمت را با سری بلند بقراش، فاصله بین خطوط را تنظیم و حروف را بهم وصل کن». اما صاحب علی ع بنام خالد که او نیز کاتب قرآن بود بعنوان اولین کسی که باخطی خوش قرآن مینوشت بشمار آمده است.

بر طبق نظر الندیم اولین خط عربی که بکار برده میشد مکی بود و دومی مدنی، سومی مربوط به بصره بود و چهارمی کوفی. خطوط مکی و مدنی بوسیله الفی مشخص میشدند

که انتهای پائین آن اندکی مورب بود و بطرف راست خم میشد و در انتهای مقابل دارای چنگکی بود با اندکی نوسان (تصویر ۱) یعنی بصورت حروف پیوسته نوشته میشد .

بسم الله الرحمن الرحيم

(ش ۱)

بسم الله تحریر مکی یا مدنی قدیم از يك نسخه قدیمی الفهرست ابن ندیم در مجموعه چستریتی اولین خوش نویس واقعی بمفهوم کاتبی که سبکهای مختلفی را برای مقاصد مختلف ابداع نمود قلمبه بود که برای خلفای اموی کار میکرد. او چهار نوع خط برای مکاتبات رسمی دولتی ابداع و ایجاد کرد بنامهای جلیل (برای مکاتبه باشاهان سایر کشورها از طرف خلیفه با تزئین کامل ، درشت) ، طومار (همچنین برای طومار کامل) ، ثلثین (شاید بخاطر دو سوم طومار) و ثلث (يك سوم) . خطوط بسیار درشت برای طومارهای کامل اولین بار در زمان ولید بن عبدالملك (۹۶ - ۸۶ . ه . = ۱۵ - ۷۰۵ م) ظاهر میشود که علاقه وافری داشت که مکاتباتی که از او بديگران یا از سایرین باو میشد دارای اثر و وضعی کاملاً متفاوت بامکاتبات خصوصی باشد، نمونه‌ای جالب از امکانات احساس انگیر فن نگارش عمر بن عبدالعزیز (۲۰ - ۷۱۷ م = ۱۰۱ - ۹۹ ه .) از این نظر در جهت مخالف رفت واز منشیان خود خواست که حروفی چنان کوچک بکار برند که تمامی يك نامه از اندازه کف دست يك مرد بزرگتر نباشد . اما این امر بدان علت بود که وی مردی لثیم و خسیس بود و مایل بود در استعمال پایروس صرفه جوئی شود .

نقطه‌هایی که باعث تمیز و تشخیص حروف يك شکل میشوند (نقط یا عجم) و علائم دستوری که مبین حالت اسم است، صرف افعال و مصوت‌های کوتاه (شکل یا اعراب) یا در زمان حکومت عبدالملك (۶۵ ه . = ۶۸۵ م . متوفی) معمول گردید یا در زمان معاویه دوم (۶۰ ه . = ۶۸۰ م) متوفی) ولی جز با خط کوفی با هیچکدام دیگر از انواع خط نوشته نمیشدند و آنهم در تحریر قرآن . در دربار امیه قرآن نویسی را میشناسیم ایرانی الاصل و بنام مالك بن دینار (متوفی ۱۳۰ ه . = ۷۴۷ م) .

اولین خوش نویسی که اقدام به نوشتن کتیبه‌های تاریخی کرد بنام سعد مشهور است وی برای ولید بن عبدالملك قرآن ، شعر و وقایع مهم را مینوشت و او همان کسی است که کتیبه قرآن را با خط طلا بر روی دیوار قبله مسجد پیغمبر در مدینه نوشت که شامل متن

قرآن است ازسوره ۹۱ الی آخر آن . گویند عمر بن عبدالعزیز از او خواست که قرآنی بهمان سبک که در کتیبه دیوار از آن استفاده کرده بود ، بنویسد و او نیز همین کار را کرد و اگر چه عمر آنرا بسیار زیبا یافت ولی قیمتش بنظر او خیلی گران آمد و لذا از قبول آن سرباز زد .

گویا حتی در قرن دهم ارزش کتب دستی خوش خط هویدا گشته و ستایشگرانی پیدا کرده بود ، چه در عراق مردی کتاب دوست و کتاب جمع کن وجود داشت دارای مجموعه‌ای از کتب نفیس که آنرا در صندوقچه‌ای نگهداری میکرد که بیش از سیصد پوند وزن داشت این آثار بر روی انواع مختلف پوست ، پاپیروس مصری ، چرم ، کاغذهای چینی و خراسانی و عربی نوشته شده بود و مشتمل بر کارهای تاریخ نویسان ، دستور نویسان و شعرای عرب بود صحت مکتوباتی که به محرزین قدیمی و صدر اول نسبت داده میشد وسیله امضای دانشمندان مختلف تایید شده بود . این مجموعه شامل رساله‌ای بخط علی ع ، قرآنی بخط خالد و نوشته‌های حسن و حسین ع و نیز واجد نمونه‌هایی از سایر کتاب پیغمبر بود . صندوقچه پس از فوت صاحب آن بکلی مفقود الاثر گردید و علی‌رغم جستجوی طولانی هیچگونه اثری از آن بدست نیامد .

استعمال خطوط قدیمی جلیل ، طومار ، ثلثین و ثلث تاهنگام ظهور عباسیان ادامه داشت تا اینکه در آن زمان این خطوط منحصر شدند به نوشتن قرآن و نوع جدیدی ابداع گردید بنام عراقی که عبارت بود از یکی از گونه‌های خط پیوسته و فشرده (محقق) بنام ورقی (یا نمونه مخصوص نساج حرفه‌ای) این خط تا زمان حکومت المأمون (۲۱۸-۱۷۰ هـ - ۸۳۳-۷۸۶ م) پیوسته به‌زیبائیش افزوده میگردد . در همین ضمن خوش نویسان درباری دیگری بودند که به تحریر قرآن اشتغال و در خط کوفی شهرت داشتند . در زمره این مردان يك نفر ایرانی‌الاصول بود از بصره بنام خوشنام و يك نفر دیگر از کوفه بنام مهدی که هر دو در خدمت هارون الرشید بودند . در تعریف از خوشنام گفته شده است الف‌هائی مینوشت بارتفاع يك ذراع و در عین حال آنها را فقط بایک حرکت دست مینوشت . پسر هارون بنام معتم یکی از استادترین کوفی نویسان را در خدمت داشت بنام ابوحری (یا حدی) که مخصوصاً در نوشتن قرآنهاي کوچک و ظریف تخصص و شهرت داشت .

وزیر مشهور هارون یحیی بن خالد برمکی (۱۹۰ هـ = ۸۰۵ م متوفی) که ایرانی بود و علاقه زیادی به خوش نویسی ابراز میداشت در استعاره ای با ظرافتی فوق العاده که در شأن استعارات عربی نویسان است چنین اظهار میدارد : « خط در حکم يك پیکره است روح و جان آن معانی است که از آن مستفاد میشود . دستهای آن سرعت است . پاهای آن

یکنواختی آن و اعضای آن و قوف بر تنظیم فواصل است. « الصولی که رساله ادب‌الکتاب را در سال ۹۳۷م (۳۲۵هـ) برشته تحریر در آورده این طوره می‌افزاید: «تا اندازه زیادی زیبایی نوشته است که بیننده را ترغیب به قرائت میکند گرچه ممکنست کلمات و مطالب چنین نوشته‌ای پائین و معمولی و معنی آن مبهم باشد، و گاه ممکنست خطی زشت محتوی فصاحت و زیبایی و جذبه بیان باشد اما بیننده بعلمت زشتی و زندقگی خط با تمام نیازی که ممکن است به آن مطالب داشته باشد امکان دارد که به آن مزایا اعتنائی ننماید.»

حمایت بر مکیان باعث تشویق و پیشرفت احمد بن ابی خالد معروف به الاحول المحرر (مردی احول که خطی بس خوش و تمیز داشت) گردید و او بزرگترین خوش نویس در دربار مأمون شد. وی منزلت کاتبی و اهمیت آنرا میستود و اشکال و انواع آنرا کاملاً درک میکرد قواعد و مقرراتی برای آن وضع و تعریف و گونه‌های زیادی از آن ابداع کرد. از کار اوست که حکایت کوتاه جالبی نقل شده است در سفری که از طرف الوثیق (۳۲-۲۲۷هـ) = ۶-۸۴۱م) به قسطنطنیه فرستاده شده بود «قضا در یکی از جشنهای آنان شرکت جستیم دیدم که در در خانقاه خویش طومارهایی طولانی آویخته‌اند پوشیده از خطوط عربی پرسیدم و بمن گفته شد که آنها نامه‌هایی است از مأمون به خط الاحول. آنان شکل و تقسیم بندی آن نوشته را زیبا میدانستند و آنرا در معرض نمایش قرار داده بودند». علاقه به خوش نویسی در دربار مأمون شدید بود، درباریان و کاتبین بیک میزان سعی وافر مینمودند تا نوشته‌های ظریفی بوجود آورده و به مهارت و اسنادی خویش ببالند و چندان طولی نکشید که ابن قتیبه (۷۶-۲۱۳هـ) از این امر شکایت کرد که هدف نهائی نویسندگان این شده است که نوشته‌ای زیبا با خطوطی راست و استوار ایجاد کنند. وظیفه علمی آنان فدای عشق و علاقه شدیدشان به مهارت هنری گردیده بود.

گفته شده است که الاحول معلم ابوعلی محمد بن علی، وزیر مشهور فارس (۳۲۸-۲۷۲هـ) = ۹۴۰-۸۸۶م) ملقب به ابن مقله بوده ولی عملاً گویا یک نسل بین آنان فاصله وجود داشته است. نقل شده است که ابن مقله قواعدی برای نسخ و تدوین کرده و در زمینه خوش نویسی شعری سروده است. نویسندگان بعدی مانند ابن خلکان ادعا کردند که ابن مقله مخترع نسخ بوده - اشتباهی که از آن پس کراراً تکرار شد و باعث ابهام تاریخ گردید.

تمجید خارجی از خوش نویسی عربی متعلق به قرن نهم با زدر حکایت کوتاه دیگری مشهود است. چنین گویند که در زمان المعتمد (۲۷۹-۲۵۸هـ) = ۹۲-۸۷۰م) نامه‌ای به امپراطور بیزانس نوشته شد، و امپراطور گفت «من از میان تمامی آنچه از اعراب دیدم، هیچ چیز را به زیبایی این شکل نیافته‌ام، و در هیچ چیز باندازه این [خط نوشته]

به آنان حسد نمبورزم ،، راوی اضافه میکند که حاکم خط عربی را نمیتوانست بخواند ولی آنرا بخاطر تقسیم بندی و هندسه و زیبایی مقام و طرز قرار گرفتن و درجه بندی آن تحسین و تمجید مینمود .

۵ ا ب ب ا ب ا

۶ م م م م م م

۷ ج ج ج ج ج ج

۸ د ب ب ا د ذ ا ب ر ب ا ز ن ا

۹ س س س س س س

۱۰ م م م م م م

رتال جامع علوم انسانی

(ش ۲)

تحریر پیوسته شکسته خاص اسناد رسمی از یک نسخه کتاب الکتاب ابن در ستویه متعلق به قرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) در کتابخانه بودلین

وجود قواعدی صریح در خصوص مشکلات و امکانات زیبایی در خط عربی ، در قرون نهم و دهم حکایت از علاقه پایدار باین هنر مینماید . باین ترتیب الکندی (دوره فعالیتش ۲۵۷ = ۸۷۱) بزرگترین فیلسوف عرب اظهار داشت : « هیچ خطی را نمیشناسم که باندازه خط عربی تاب گونه‌های فراوانی را از نظر اندازه داشته باشد و در این خط بیش از هر خط دیگر امکان حصول سرعت وجود داده و در قرن دهم اصولی و ابن درستویه در کتاب الکتاب

خویش (۳۴۷-۲۵۸ = ۹۵۸-۸۷۲) هدف و روش محررین بزرگ را از نقطه نظر زیبایی بیان نموده و نیز دستورالعملهای خاصی پیشنهاد میکنند. باین ترتیب الصولی اظهار میدارد که «بسم الله» باید از اول خط نوشته شود و نه از وسط آن و بین بسم الله و رحیم فاصله‌ای لازم نیست. آغاز خطوط خود متن باید با رعایت حاشیه‌ای مستقیم باشد و قبل از شروع متن

- طططط طظظظ ظ
- ععع عغغغ غ
- ققق قففف ف
- لال للل لککک ک
- ووو " کاکاکاکاک کففف کففف کففف " کففف کففف کففف کففف
- سسس سسس سسس " سسس سسس سسس " سسس سسس

(ش ۳)

از همان نسخه کتاب‌الکتاب این دستویه

نیز فاصله‌ای لازم است. و این دستویه مظنه‌ای بدست میدهد از این انواع مختلف خطوط پیوسته که برای سندهای رسمی مختلف بکار برده میشده باید چگونه نوشته شود، و نظر خویش را بادسم شواهد و امثله‌ای که در آنها هر حرف را در اوضاع مختلف نشان داده بیان میکند (تصویر ۳۰۲). همچنین الفباء کامل را با دو خط مخصوص نشان میدهد: امساک

و خفیف (تصویر ۴) .

سایر اظهار نظر ها جنبه عام‌تری دارد . از يك كاتب بزرگ پرسیده شد : « خط‌چه موقع آن ارزش را داراست که بتوان آنرا زیبا بشمار آورد ؟ » او در جواب گفت اگر اجزای آن خوب تقسیم شده باشد و الفها و لام‌های آن بلند باشد ، خطوطش راست باشد ، خطوطی که پائین می‌آید باندازه خطوطی باشد که بالا می‌رود ، عین‌های آن باز باشد و راهای آن شباهت به نون‌های آن نداشته باشد ، کاغذ آن براق باشد ، مرکبش غلیظ بوده و شیوه‌اش تغییر نکند . برای چشم باسانی قابل درک و فهم آن نیز آسان باشد ، فواصل آن سنجیده باشد ، روابط آن کوتاه باشد و قسمتهای نازک آن با قسمت ضخیمش متناسب باشد ، این از شیوه خوش‌نویسان حرفه‌ای نیست و از نساختن خوش‌نویس بعید است .

بعلاوه علاقه شدید به حسن خط باعث درک نقائص آن شد ، چه گفته میشود که یکی از شاگردان الکندی که متوجه شده بود الفبای عربی برای برگردان کلمات سایر زبانها مثل فارسی ، آشوری ، لاتین و یونانی کافی نیست ب فکر افتاد برای خودش الفبای بخصوصی اختراع کند که جبران این نقیصه را نموده و مانع از ایجاد ابهام و تردید برای خواننده شود . این خط شامل چهل حرف متمایز بود ، بدبختانه از این پیشنهاد اصلاحی او هیچگونه اثری بدست نیامده است .

در همین قرن بود که الحسین بن منصور الحلاج که نیاکان بلافضل او نسبت به مرام قدیمی عجوس وفا دار بودند ، در یک مجموعهٔ چهل و پنج جلدی اصول و تعالیمی را پیشنهاد میکرد که شدیداً ناقص کلمه و سنت بود ، و این مجلدات بطرزی بسیار مجلل و صرف هزینه‌ای بس زیاد به آب طلا بر روی کاغذ چینی نوشته شده و با پوشش چرمی صحافی گردیده بود و در صحافی بعضی از آنها از ابریشم یازری استفاده شده بود . خطی که وسیله نشر فرقه ارتدکس هم گردید میتوانست با همان اندازه غنا در خدمت این بدعت مورد بهره برداری قرار گیرد .

[در این هنگام شهر کوچکی موسوم به «چاهک بزرگ» در فارس بخاطر خوش نویسانش شهرت داشت که نسخ نفیسی از قرآن مینوشتند و عمرو از خانوادهٔ عروه - ابن عدیه برای هر قرآن هزار درهم میپرداخت و آنها را وقف مساجد در بلاد مختلف اسلامی مینمود .]

قبل از پایان قرن دهم (تا ۹۸۷ م. = ۳۷۷ ه.) که الندیم بر سر کار بود ، شش کتاب در زمینه نکات تشخیص و علائم قرائتی نوشته شده بود در عین حال در نوشتن نامه‌هایی که خطاب به صاحبان جاه و مقام بود ، نویسندگان و دانشمندان بزرگ اکثر استعمال آن علائم را دود

شان خود می‌شمرند چه اینطور استناد می‌شد که استعمال آنها بمنزله اینست که درباره شخص مخاطب فرض شود که وی دانش کافی ندارد که بتواند بدون وجود چنین علائم و اضافات معنی را درک کند.

جدول الخط الذي يشتمل على أمساك

اما	سب	صحح
امداد	رمر	سسر
مصمص	ططط	ععع
صوف	فوف	ككك
ملا	ممر	مر
مو	مهه	لاملا
می	می	

(ش ۴)

جدول امساك از نسخه كتاب الكتاب ابن درستويه قرن سیزدهم میلادی (قرن هفتم هجری) متعلق به کتابخانه بودلین

در این هنگام بیست و چهار گونه اصلی خط مورد استعمال داشت و حداقل بهمین تعداد هم انواع فرعی و کم اهمیت‌تر. زیباترین تمام اینها وسیله یکنفر ایرانی بنام ذوالریاستین

در زمان مأمون اختراع گردیده بود. شیوه ابداعی او بنام خط رئیسی مشهور بود و از آن سیزده تقسیم قرعی مشتق شد. علاوه بر خط کوفی از پانزده خط دیگر هم برای نوشتن قرآن استفاده میشد یکی از اینها بنام فیر آموز منشاء خط فارسی گردید. این سبک در قرن دهم اختراع شده و دارای دو نوع بود: ناصری و مدور (گرد).

از این خطوط متعدد تقریباً هیچ نمونه‌ای در کشورهای اسلامی از قرون اولیه اسلامی چه در کتب خطی و چه در کتیبه‌های یاد بودی باقی نمانده يك خط پیوستهٔ ابنیه‌ای مصور روی چهارچوب پنجره یکی از ساختمانهای تخت جمشید بدست آمده بنام عضدالدوله که شاید همان بویه‌ای (۷۲-۲۲۴ = ۸۳-۹۳۶) باشد. در خطوط منقوش بر روی سکه‌های اولیه اجزاء و عوامل کوفی و پیوسته ترکیب شده‌اند، و این امر نشان دهنده این حقیقت است که از خط جاری معمولی يك خط آسان تری استخراج میشود که بیشتر مبتنی بر سبک و روش است باین ترتیب بر روی درهم‌های حجاج ابن یوسف دو کلمه ابن یوسف پیوسته هستند در صورتیکه الحجاج معرف میل و حرکتی بسوی کوفی است. در مسکوکات دوره‌های بعدی خصوصیات خط کوفی دائم رو با افزایش است. باین ترتیب آخرین حروف نوشته‌های هر دو روی درهم ذوالریاستین (۲۰۰ - ۸۱۵/۱۶) بخطی است که خصوصیات خط پیوسته را نشان میدهد و در خط پشت دینار نصر ابن احمد (۳۰۵ = ۹۱۷/۱۸) اسم پیوسته مطلق است و این تا اندازه زیادی پیوسته تعلیق میباشد در صورتیکه در هر دو نوع دینار المقتدر (۳۱۸ = ۹۳۰) فقط چند حرف از قبیل را و او با خصوصیات پیوسته نوشته شده‌اند.

در بسیاری از مجموعه‌ها قرآنهائی پیدا میشود که ظاهراً اینطور استنباط میگردد که بخط علی باشد، و داشتن امضاء برای این قبیل قرآنها نیز امر بسیار نادری نیست این امر که حتی در قرن یازدهم نظیر دارد از این واقعیت آشکار میشود که المالك العزیز از خاندان بویه (۱۰۲۴ - ۴۱۵) به نصرالدوله قرآنی اهدا کرد بخط علی و شاید اسناد مشابهی در پایان قرن نهم بوجود آمد، زیرا در آن زمان شیعه‌ها شروع کردند به ایجاد شواهد در تقویت ادعایشان. بعضی از قرآنهائی منسوب به علی ممکنست از نظر تاریخ مربوط به قرون وسطی باشد، اما بقیه آنها به تمام احتمال مربوط به زمانهای بعد تر میباشد و تمام اینها بخط کوفی هستند، بلا تردید به این دلیل که به غلط تصور میکردند که آن خطی بود که در قرون اولیه هجرت رواج داشت. باضافه این قبیل قرآنها فاقد علائم مشخصه و ممیزات و علائم صوتی میباشد، در صورتیکه در واقع و نفس الامر این علائم در دوره‌های اولیه قرآن نویسی رواج داشتند.

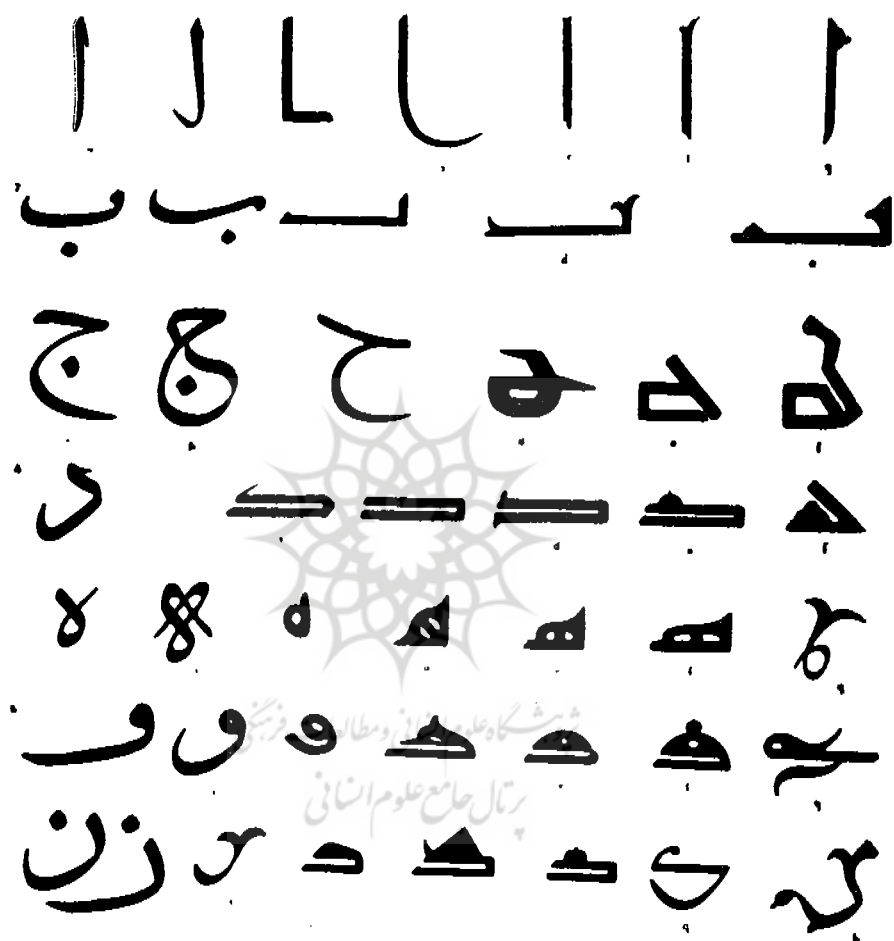
این حقیقت که دانشمندان در اوایل قرون وسطی با سهولت فراوان فریب

اسناد معمول را میخورند با دقت در شرح ذیل آشکار میشود. یهودیان بغداد به خلیفه تصویب نامه ای را ارائه دادند که بموجب آن یهودیان خیبر از پرداخت مالیات سرانه (جزیه) معاف بودند و از مفاد آن استفاده میشد که آن سند از جانب حضرت محمد (ص) در سال ۶۲۸م. (۷ هـ) صادر شده و وسیله علی امضاء گردیده باشد. اگر نمی توانست دانشمندی بنام ابو بکر خطیب (۱۰۷۰ = ۴۶۳) پرده از يك اشتباه تاریخی بردارد آن نوشته بنام سندی مقبل و موثق مورد قبول قرار میگرفت و از نظر باستان شناسی مورد قبول واقع شده بود.

جزوات متعددی از قرآن و نیز اوراق پراکنده فراوانی به شیوه کوفی، مشابه آنچه که به علی نسبت داده شده یافت شده است که اینها نیز بدون علامت است و بقرون نهم و دهم نسبت داده شده اند ولی در همان تردیدی هستند که نوشته های منتسب میباشد و بهمان دلایل زیرا اگر علل و محرکهای مذهبی در ایجاد کتب و رسائل موجود دخالت داشت متقابلاً عوامل تعدیل کننده ای وجود داشت که در نمونه های اولیه قدیمی موثر بود، نمونه هایی که فرض تقدس در باره آنها کمتر میشد ولی حداکثر تا قرن نهم از جانب کتاب شناسان و کتاب دوستان مورد تحقیق و تقدیر قرار گرفته بود. يك چنین تولید فراوان از قرآنها ی خطی و اوراق مربوط بان که ظاهراً مربوط به قبل از قرن یازدهم است میتواند دلالت بر غلبه خط کوفی نماید علی رغم این حقیقت مسلم تاریخی که استعمال انواع مختلف خطوط پیوسته در قرآن نویسی آن زمان رواج کامل داشت. با توجه به این حقیقت که کتابخانه های اولیه اسلامی و مخصوصاً کتابخانه های ایران بعلل مختلف دستخوش انهدام و خرابیهای دامنه دار واقع شد شاید حقیقت این باشد که اوراق خطی بسیار کم مربوط به قبل از قرن دهم بر جای مانده باشد.

[خط عربی (تصاویر ۵ تا ۷) در ذات خود طوری است که استعداد زیادی برای تغییر شکل و تزئین پذیری دارد، در صورتیکه حروف الفبای رومی دارای ساختمانانی است بسته و جمع و جور و مبتنی بر آحادی کامل و جامع. حروف الفبای عربی اصولاً از ترکیب خطوط عمودی و افقی تشکیل شده با طرحتی پیوسته، و لذا هم از نظر ترکیب یکدیگر خود را در اختیار تزئینات معنوی قرار میدهد و هم از نظر ترکیب با سایر عوامل تزئینی. خطوط عمودی ساختمان آنهاک ایجاد میکند و خطوط افقی ضامن ایجاد موازنه و پیوستگی میباشد. علاوه بر ضرورت اتصال حروف بخصوصی به یکدیگر باعث ازدیاد تمایل در ایجاد تزئینات خطی پیچیده ای میگردد، و شکل های بخصوصی که بعضی از حروف باید در موقعی که آخر

کلمه در میآیند بخود بگیرند میدانی برای ابداعات و اختراعات کوناگون فراهم میآورد این خط همچنین از نظر فاصله گذاری و رنگ پذیری امکان بیشتری برای ایجاد تنوع غنا در اختیار میگذارد. پیوندهایی که حروف را بهم متصل میکنند نیز میتوانند شکل‌های

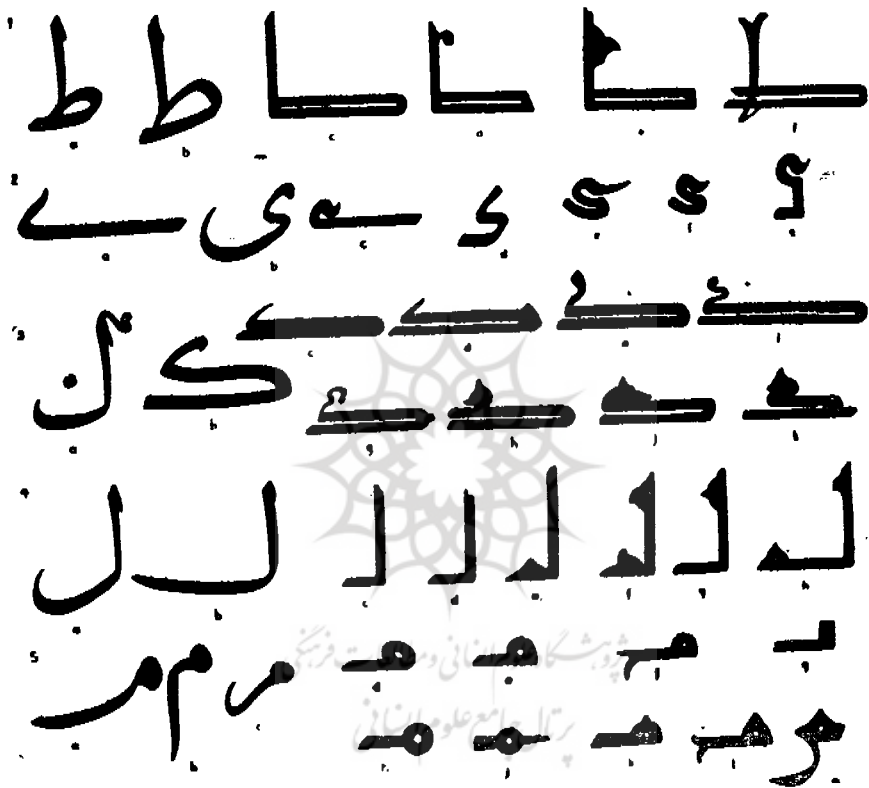


(ش ۵)

الفای عربی: الف - زای ازجیب بهراست: نسخ، ثلث، پیوسته قدیم، کوفی

مختلفی بخود بگیرند. حروفی که دارای اشکال مساوی هستند با گذاشتن نقاطی در بالای یکی از آنها از یکدیگر متمایز میشوند، و مصوت‌های کوتاه با نقاطی که به‌اندجای مختلف

گذاشته میشود مشخص میگردد ، که در بعضی قرآنهاى اوليه اين نقاط قرمز و بعدها همچنين برنگهاى زرد ، سبز و گاهگاهی آبی نیز دیده میشوند ، و علائم املائی به صفحات زیب و زینت بیشتری میبخشند از قبیل « همزه » که اول بصورت دو نقطه قرمز بود که پهلو به پهلو گذاشته میشد ، و بعد بصورت يك دایره یا نقطه آبی . يك خط مورب یا يك دایره نمودار

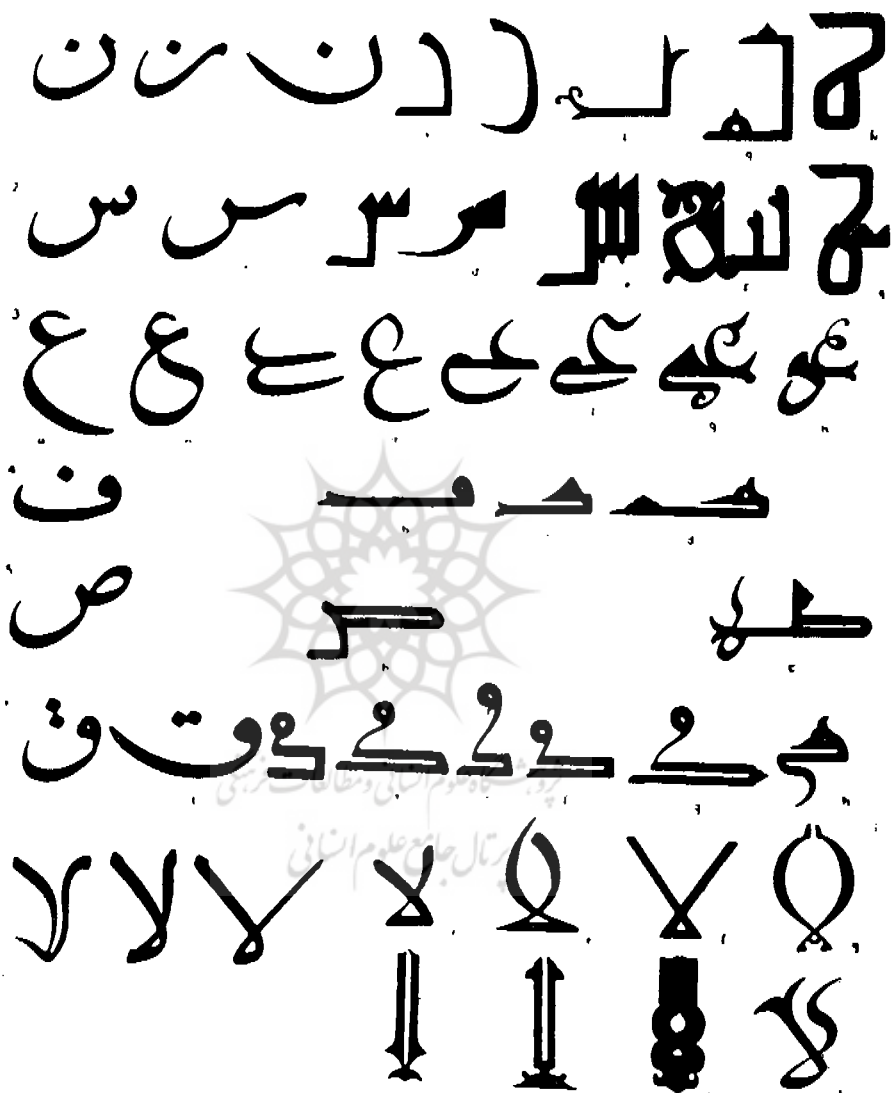


(ش ۶)

بقیه القباى عربى، طاء - میم، از چپ به راست ، نسخ ، ثلث ، کوفی

پایان آیه در صورتیکه يك نقطه بزرگتر ، بصورت گرد یا چهار گوش سوره ها را از هم جدا میکند و این علائم خیلی زود جای خود را به عوامل تزئینی دادند که مدام برظرافت آنها افزوده میشد. این قبیل دقایق و جزئیات فاقد قاعده در مقابل حروف سیاه صیقلی و بحکم تضاد جالبی فراهم کرده و اهمیت خاصی پیدا نمود . و هنگامیکه کتاب کم اهمیت تری نوشته میشد تزئینی با رنگهای فراوان و فوق العاده جالب داشت .

در حالی که قدیمی‌ترین نمونه های خط پیوسته به کمال زیبایی نرسیده بود، خط کوفی حتی در ابتدائی‌ترین شکل خود هم دارای خصوصیات زینتی زیادی بود. در خطوط



(ش ۷)

بقیه الفبای عربی : نون... قاف و لام الف، از چپ به راست: نسخ، ثلث کوفی

افقی هم از نظر طول و هم از نظر وزن تأکید شده و از نظر وزن بعثت تراکم زیاد پیچ و حلقه‌ها

که تقریباً بصورت صفحات يك پارچه‌ای جلوه میکند ، در آن مبالغه شده است . عمودیه‌ها کوتاه هستند و بصورت خطوطی ساده که بخودی خود چیز چندانی جالبی ندارند ولی کافی است که از راه ایجاد تضاد بر نیروی خطوط افقی افزوده و اثر آنها را تشدید کنند.

در قرن دهم خط قابل ملاحظه در ایران نادر و محدود به کوفی است در عین حال این حقیقت دلیل بر مزیت و برتری خط کوفی در آن زمان نیست ، زیرا از يك طرف اشکال کوفی مناسب خاصی با سبک تزئینی آن زمان داشتند و از طرف دیگر با صفت‌های مربوط به کاربرد بر روی چوب و فلزات و بافتن خوب جور می‌آمد. خطوطی از دوره آل بویه بر روی يك جفت تنگه چوبی و يك آفتابه طلائی حروف فشرده‌ای را نشان می‌دهد با عمودی‌های کوتاه و پیچ و گره‌های کاملاً مدور و بعضی خطوط منحنی دیگر ولی حروف آخر کلمات دارای نوکی تیز می‌باشند. نوشته‌ای شبیه سبک خراسان بر روی ابریشم بر عکس عمودی‌های بلند و باریک را نشان می‌دهد با فاصله زیاد و در آن شکاف تمام حلقه‌ها بصورت ترنجی و نیم ترنجی بانوکی بالا رفته است با حداقل انحناء . تمام نوشته و تمام نقاط به تیزی منتهی میشود . تفاوت‌های قابل ملاحظه بین دوسبک ممکنست معرف تضاد و اختلاف موجود در رجحان و سلیقه موجود در محل باشد ولی شواهد و نمونه‌ها بقدری کم است که بهیچوجه اجازه نتیجه گیری قطعی را نمیدهد .

در کتیبه رادکان مربوط به ۲۰-۱۰۱۶- (۱۱-۱۰۴۰۷) (تصویر ۷) صرف نظر از شاخ و برگ‌های سرشار از زمینه، خود حروف دارای شکلی بسیار ظریف تر هستند. خطوط منحنی کاملاً گرد است مانند نوشته‌های دوره آل بویه و انتهای حروف بصورت مارپیچ کاملی است و ترکیب شده‌اند با خطوطی عمودی به بلندی آنچه در کوفی خراسانی مشهود است با پیچ و حلقه‌های

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



(ش ۸)

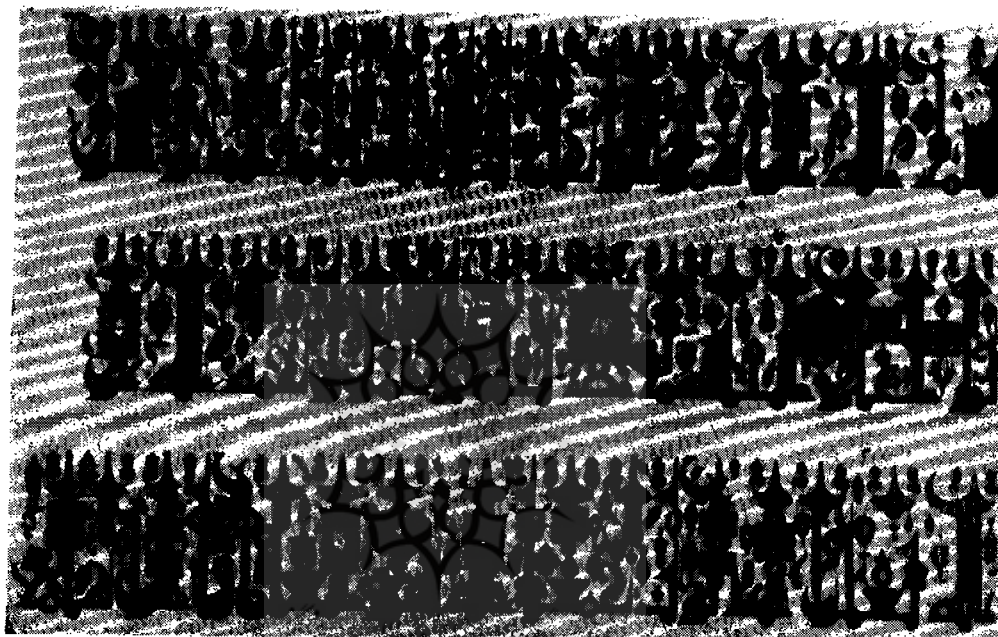
قسمتی از کتیبه برج رادکان (نیکا)

ترنجی مشابه. انتهای بعضی حروف به صورت نقوش گل و گیاه بدوی درآمده بدنه‌های مشبک حالت گل بخود گرفته و ظریف تر از همه اینها خطوط عمودی است که دور یکدیگر پیچیده یا به یکدیگر بافته شده‌اند و تشکیل طرح‌های بسیار پیچیده‌ای را میدهند .

بعد این خط کوفی بهم بافته راه کمال می‌پیماید و پس از چند سال به بالاترین مرحله از ظرافت و پیچیدگی خود میرسد آنطور که در کتیبه مجلل و پرخرج ولی زیبا و ظریف مصلای

پیر علمدار (تصویر ۹) بچشم میخورد . در این نمونه که قابلیت انعطاف خیلی بیشتری دارد بافته‌ها و گره‌ها می‌توانند توسعه و افزایش بیشتری پیدا کنند و انتهای باریک حروف می‌تواند تا اندازه نوك سوزن باریک شود و دارای پیچ‌های داخلی و شاخ و برگ‌هایی است که بداخل پیچ‌ها تاب می‌خورند.

در عین حال انواع ساده‌تر هنوز باقی بودند. دو کتیبه پارچه‌ای مربوط به فارس از قرن یازدهم بدست آمده که دارای نوشته فشرده و توپر ناخواناست و یکی از اینها ترکیب شده

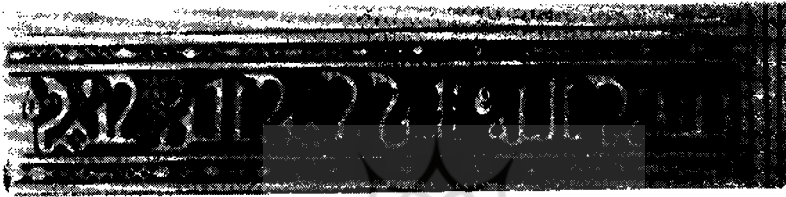


(ش ۹)

کتیبه منقش تزیینی ، داخل مصلاى پیر علمدار

است ، نمونه بلند و باریک که بدون آرایش و کاملاً مکی است به خطوطی عمودی یکنواخت و توازن موجود بین آنها و منحنی‌هایی که بصورتی ساده جلوه می‌کند و منحصر گردیده است به خطوط افقی . در مشهد مصریان (تصویر ۱۰) نیز نمونه‌ای فشرده وجود دارد که از لحاظ شاخ و برگ و شبکه اندکی متنوع‌تر است ولی خالی از لطف می‌باشد و نیز نمونه‌ای دیگر عبارتست از سینی الپ ارسلان (۱۰۶۶ = ۴۵۹) که کتیبه آن یکبارده سبک‌تر و پرپیچ و تاب‌تر شده است . این نوشته بخط خوش‌نویس عظیم‌الشانی است کاشانی که يك قرن قبل از راوندی میزیسته است .

قدیمترین قرآن تاریخ دار ایرانی که مورد توجه قرار گرفته* نمونه‌ای است متعلق به کتابخانه امپریال میلان بخط عیسی ابن عبدالله ابن ابی عبدالله بلخی و بتاریخ ۱۰۲۷ (۴۱۸) این قرآن بخط پیوسته‌ای است که بمیزان کمی تحت تاثیر حالت زاویه داری کوفی قرار گرفته است. خطوط عمودی باریک آن اندکی مایل است و خمیدگی‌ها حالت مثلثی شکل دارد در صورتیکه خطوط آویخته کاملاً پیوسته است. و اینطور بنظر میرسد که مربوط میشود به خطوط سکه بنی امیه. در موزه بریتانیا قرآنی است بتاریخ ۱۰۳۶ (۴۲۷) در این قرآن رؤوس مطالب تشکیل مجموعه قابل ملاحظه‌ای از نمونه کوفی را میدهد، از جمله نمونه‌ای مشابه آنچه در سینی الپ ارسلان است، اما متن شامل نوشته‌ای است با خطوط کوچک و نزدیک



(ش ۱۰)

کتیبه کوفی، گچی برجسته، خرابه مشهد مصریان متعلق به آخر قرن دهم یا اول قرن یازدهم میلادی (چهارم یا پنجم هجری)

هم بصورت پیوسته. نمونه قابل ذکر دیگر از نظر سبک نوشتن عبارتست از کتاب داروشناسی از ابومنصور الموفق که در سال ۱۰۵۵ (۴۴۷) وسیله اسدی طوسی رونویسی گردیده است در این نمونه هم باز رؤوس بخط کوفی و متن به همان شیوه قرآن البلخی است. چهارمین نمونه قابل ملاحظه از نظر مقایسه سبک در این قرن قرآنی است بخط عثمان ابن الحسین در سال ۱۰۷۳ (۴۶۶) در حرم امام رضا در مشهد در این نمونه هم همان سبک گسترش بیشتری یافته. خطوط افقی با ترکیب خمیدگی‌ها بصورت میله‌های دندان‌داری خود نمائی میکند که با خطوط عمودی بسیار باریک که انتهای آن هیچ تغییری پیدانمیکند تناسب دارد و فقط گاهگاهی يك آویز تصادفی با پیچ و تاب شدید بچشم میخورد.

[بدین ترتیب قبیل از نضج کامل امپراطوری سلجوقیان طراحان و کابین هم برای خوش نویسی وهم برای استفاده در امور تزئینی انواع زیادی خط به ابعاد و اندازه‌های مختلف در اختیار داشتند. علاوه در هر يك از این سبکها انواع فرعی متعددی ایجاد گردیده بود

* خوشبختانه با درایت جناب آقای دکتر رجائی مدیر دل امور فرهنگی آستان قدس قرآنی با تاریخ ۳۲۷ هجری در بین قرآنها نفیس آستان قدس شناخته شده حائز کمال اهمیت است.

که هر کدام خصوصیات مشخص و مفصلی داشت چونکه این خطوط و ساختمان خشک و منطقی شان علی‌رغم قواعد اصلی و اولیه آنها در مورد انتهای حروف، در عمل از این نظر تغییرات زیادی پذیرفته و شکلهایی گرفته که با شکل اصلی آن کاملاً متفاوت بوده (یا بصورتی مطلوب آنرا تکمیل کرده) است. در بعضی نمونه‌های برجسته و بسیار نادر خط کوفی ممکنست وضعی همچنان انگیز و تقریباً سرسام آور مشاهده شود، بعضی نمونه‌های افراطی دیگر با همان خطوط انعطاف ناپذیر است. در نمونه‌هایی که تاکید کمتری وجود دارد مقداری زیبایی با تشخص در آنها توأم است ولی در نمونه‌های دیگر به روشنی و خوانائی اکتفا گردیده است.

هر الفبائی باید در نوع خودش منطقی باشد همینقدر که دوسه حرف شکل گرفتند نه تنها شکل بقیه حروف از روی آنها تعیین میشود بلکه جزئیات و فروغ نیز باید از آنها تبعیت نماید مانند پیوندها، انتهای حروف، علائم ممیزه، علائم قرائتی. همه اینها باید در مجموع با یکدیگر هم‌آهنگی داشته، بدون مغایرت و ابهام بایک روحیه واحد با هم درآمیزند. اختراع الفبای خوش‌نویسی باید یکی از برجسته‌ترین فعالیتها و کارهای خلاقه در زمینه زیبایی شناسی به حساب آید، گواينکه این گفتار بگوش‌غریبان سنگین می‌آید ولی با مطالعه و بررسی هر يك از خطوط عمده تزئینی در دوره سلجوقیان این حقیقت را تصدیق خواهند نمود هر کس که در زمینه طراحی دارای ذوقی باشد ممکنست يك حرف زیبا اختراع کند و خصوصیات فردی جالبی در آن ایجاد نماید و چه بسا که بازیهای تزئینی آنرا سرشار از زیبایی کند ولی از آن پس طراح باید يك رابطه صحیح و منطقی را با حرف اولش دنبال کند، باید قدرت برقرار کردن يك جریان قیاسی صحیح و سلیس و روان را داشته باشد و در عین حال تخیل او فلج نگردد. حفظ شخصیت خصوصیات موجود در واحد اول ضمن ایجاد اختراعات جدید و پیوسته بصورتی مناسب قابل مقایسه است با ایجاد یکی از ملودی‌های موزار با اجزای مشکل آن و یا با انجام يك بازی شطرنج پیچیده و استادانه. يك طراح معمولی از طرح قواعد متعدد و سخت، عاجز است اما برای هنرمندی با نیرویی خلاقه که حقیقه این قواعد را درک و جذب کند برای او فرصتی را عرضه میدارند که پیروزی او را تضمین مینماید. اینست مشکل تقلید و عدم امکان جعل موفقیت آمیز از خطوط کوفی اولیه. خوش‌نویس امروزی که بجای خلق و ایجاد توأم با دقت نظر به تقلید اکتفا میکند، میپردازد به شرح و تفصیل در باره اموری از قبیل الحاق ایجاد فاصله یا نزدیک سازی، بهم پیوستن حروف یا انتهای آنها، چیزی که برای آن نمونه مستقیمی نمیتواند بیابد. تنها عامل باطنی که رهنمون اوست میل و خواست او میباشد، بدون وقوف به رموز کار تقلید کورکورانه نمیکند و در نتیجه کارش از نظر باستان‌نویس مورد انتقاد و مردود است.

نامه آستان قدس ارزش علمی تحقیقات پوپ روشن است اما چون بیگانگان سلیقه مخصوصی دارند باید توجه داشت که در بعضی از نظرهای او مجال بحث باقی است و ممکن است پاره‌ای از نظرهای او با عقیده متفکران شیعه فرق داشته باشد.